

چرا می‌گوییم غربگرایان زبان دنیا را بلد نیستند؟

سیاست آمریکا و اروپا در قبال ایران فاقد هرگونه «لنگرگاه» و «جهت‌گیری» است. دولت‌های غربی نتوانستند یک راهبرد متوازن، متحد و پایدار در قبال ایران اتخاذ کنند که فعالیت‌های جمهوری اسلامی را محدود کند. راهبرد غرب در قبال ایران، نه تنها هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند بلکه حتی چارچوب مشخصی هم ندارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، مسعود اکبری در یادداشتی نوشت:

۱- در روزهای گذشته جلسات مربوط به ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌رغم تمام ادعاها، فضا سازی‌ها و تهدیدهای کشورهای غربی، بدون صدور قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای کشورمان پایان یافت. این برای پنجمین دور متوالی است که تلاش‌ها برای احیای پروژه امنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام با شکست روبه‌رو می‌شود.

در این جلسه نه تنها قطعنامه‌ای صادر نشد بلکه حتی اجماعی هم برای صدور بیانیه غیرالزام‌آور علیه ایران شکل نگرفت.

یک سؤال، آیا این رفتار آژانس، نتیجه اجرای برجام و نوع تعامل ایران با FATF بود؟ پاسخ منفی است؛ چرا که ریل‌گذاری سیاست خارجی از ابتدای دولت سیزدهم تغییر کرد و «دیپلماسی التماسی» جای خود را به «دیپلماسی مقتدرانه و عزتمندانه» داده است.

در دو سال و نیم اخیر، پرونده برجام از اولویت سیاست خارجی کنار زده شد و «دیپلماسی فعال منطقه‌ای و جهانی» جای آن را گرفت. علاوه بر این، ایران حاضر نشد که زیر بار دستورات زورگویانه FATF جهت عضویت برود و در نهایت در این مدت، ایران به این سازمان نپیوست.

۲- روز ۱۲ مهر ۱۴۰۲ جناب آقای «محمد اسلامی» رئیس محترم سازمان انرژی اتمی در حاشیه جلسه هیئت دولت و در جمع خبرنگاران با اشاره به اخراج تعدادی از بازرسان آژانس گفت: «بازرسان اخراج شده از سه کشور اروپایی بودند که مرتب رفتار سیاسی تند دارند، و بازرسان آن کشورها را از لیست حذف کردیم.»

این اقدام مقتدرانه و عزتمندانه ایران، پیام ویژه‌ای برای آمریکا و تروئیکای اروپایی داشت و در نهایت آژانس انرژی اتمی، بدون هیچ مخالفتی، تصمیم ایران را پذیرفت.

۳- اقتدار، احترام می‌آورد. در دنیایی که به واسطه اقدامات مخرب و جنایتکارانه دولت‌های سلطه‌گر، «قانون جنگل» بر آن حاکم است، این اقتدار و دیپلماسی عزتمندانه است که احترام می‌آورد.

«محمدجواد ظریف» وزیر سابق امور خارجه - تیرماه ۱۴۰۰- در پایان کار دولت مدعی تدبیر و امید، اعتراف تلخی را مطرح کرد. وی گفت: «با خوش‌خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی از خود رنجاندیم. اتفاقی که اگر نمی‌افتاد نه دوستان دوران سختی رهایمان می‌کردند و نه با فشار حداکثری ترامپ مواجه می‌شدیم.»

۴- در ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ بیست و سومین نشست سران سازمان اقتصادی شانگهای به شکل ویدئو کنفرانس در دهلی‌نو هند برگزار شد. جناب آقای رئیسی، رئیس‌جمهور محترم کشورمان، امسال به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار به عنوان عضو اصلی سازمان همکاری شانگهای، در این نشست به تشریح دیدگاه‌ها و مواضع کشورمان پرداخت.

در همان مقطع «ژانگ مینگ» دبیرکل سازمان همکاری شانگهای در واکنش به عضویت رسمی و دائمی ایران در این سازمان گفت: «عضویت ایران و نقش این کشور گام مهمی در مسیر تحقق اهداف سازمان اقتصادی شانگهای ایفا می‌کند... این باعث افتخار من است که فرآیند عضویت دائم ایران، در زمان مدیرکلی این‌جانب بر این سازمان صورت گرفته است.»

نکته قابل توجه اینجاست که پیش از این دولت آمریکا درخواست داده بود که عضو ناظر شانگهای باشد اما این درخواست از سوی این سازمان رد شده بود. نکته مهم دیگر اینکه حجم اقتصاد اعضای سازمان شانگهای، ۳۲ درصد از حجم اقتصاد اتحادیه اروپا بیشتر است. بر اساس گزارش صندوق جهانی پول، طی پنج سال منتهی به پایان ۲۰۲۳، ظرفیت اقتصادی کشورهای عضو سازمان شانگهای از اقتصاد گروه «جی ۷» پیشی گرفت.

اعضای این سازمان بیش از ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را نیز به خود اختصاص داده‌اند. مجموع تجارت اعضای آن حدود ۶/۶ تریلیون دلار بوده که در ۲ دهه گذشته صد برابر شده است. همه اینها از جمله مصادیقی است که سازمان همکاری‌های اقتصادی شانگهای توانسته در برابر هژمونی غرب قد علم کرده و حتی آن را پشت سر بگذارد.

۵- در شهریور سال جاری خبر عضویت جمهوری اسلامی ایران در بریکس رسماً اعلام شد. در ادامه، در ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۲ ایران به طور رسمی به گروه بریکس

«آنیل سوکلل» نماینده آفریقای جنوبی در گروه اقتصادهای نوظهور جهان موسوم به بریکس با اشاره به شرکت نمایندگان بلندپایه ایران، عربستان، امارات، مصر و اتیوپی، در نشست بریکس که اوایل ماه دسامبر در دوربان آفریقای جنوبی برگزار شد، تاکید کرد: «با پیوستن این کشورها، اعضای بریکس ۲ برابر خواهد شد.»

اعضای قبلی شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی در ماه آگوست از ۶ کشور جدید که پیش‌تر درخواست عضویت خود را ارائه کرده بودند، دعوت کردند به این بلوک اقتصادی بپیوندند تا به این ترتیب برخی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی جهان را با برخی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان آن در قالب بریکس گرد هم آورند.

یکی از مهم‌ترین مزایای پیوستن به بریکس، بخصوص برای ایران که مشمول تحریم‌های غرب است، بانک کشورهای بریکس است که «بانک توسعه نوین» نام دارد. این بانک، که یک بانک توسعه چندملیتی توصیف شده، برای کشورهای عضو سامانه اعلام پرداختی دارد که جایگزینی برای سوئیت است.

یکی دیگر از اهداف بریکس انفصال از دلار به عنوان ارز معیار تجارت بین‌المللی است. حذف دلار از روابط اقتصادی و همکاری ویژه کشورهای تحت تحریم آمریکا، دو نسخه‌ای است که تبعات آن مقامات آمریکایی را به وحشت انداخته است.

«امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه چندی پیش و پس از دیدار با مقامات چین، در مصاحبه با خبرنگاران گفته بود: «اروپا باید در برابر فشار برای تبدیل شدن به «دنباله‌روهای آمریکا» مقاومت کند... اروپا باید وابستگی خود به آمریکا را کاهش دهد و از کشیده شدن به رویارویی چین و آمریکا بر سر تایوان اجتناب نماید... اروپا باید وابستگی خود به «فراسرزمینی بودن دلار آمریکا» را نیز کاهش دهد.»

همچنین «جانت یلن» وزیر امور خزانه‌داری آمریکا چندی پیش در نشستی در کمیته امور مالی مجلس نمایندگان آمریکا اعتراف کرد که استفاده از دلار در دنیا رو به کاهش است و تحریم‌ها علیه ایران، حتی متحدان آمریکا را به فکر استفاده از ارزهای جایگزین در مبادلات جهانی انداخته است.

۶- در شهریور سال جاری روزنامه «فایننشال تایمز» در گزارشی با اشاره به همزمانی آزاد شدن دارایی‌های ایران با سالگرد اغتشاشات سال گذشته، نوشت: «تبادل زندانیان (بین ایران و آمریکا) در چنین زمانی حاکی از شکست سیاست‌های آمریکا برای مقابله با تهران است... تداوم پیشرفت‌های هسته‌ای ایران در کنار افزایش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، از دیگر نشانه‌های شکست سیاست‌های غرب در قبال ایران است.»

این رسانه غربی در ادامه نوشت: «سیاست آمریکا و اروپا در قبال ایران فاقد هرگونه «لنگرگاه» و «جهت‌گیری» است. دولت‌های غربی نتوانستند یک راهبرد متوازن، متحد و پایدار در قبال ایران اتخاذ کنند که فعالیت‌های جمهوری اسلامی را محدود کند. راهبرد غرب در قبال ایران، نه تنها هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند بلکه حتی چارچوب مشخصی هم ندارد.»

پیش از آن نیز هفته‌نامه اکونومیست در تحلیلی با اشاره به آزادسازی اموال ایران و توافق تبادل زندانیان میان ایران و آمریکا نوشته بود: «در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران دست بالا را دارد.»

۷- نشریه «نشنال اینترست» اخیراً در گزارشی به قلم «هیو دی سانتیس» نوشت: «آمریکا باید برای جهانی آماده شود که در آن قدرت، جای آرمان‌های لیبرال را خواهد گرفت و غرب برای حفظ ثبات بین‌المللی باید قوانین جدید را در هماهنگی با دولت‌هایی که در نظم جهانی جدید تاثیرگذار بوده اند، تدوین کند.»

در ادامه این گزارش آمده است: «پس از سه دهه از پایان جنگ سرد، دیگر جامعه‌ای متشکل از کشورهایی که توسط یک سیستم روابط بین‌الملل مبتنی بر قوانینی با الگوبرداری از ارزش‌های لیبرال - دموکراتیک آمریکا به هم مرتبط شده باشند، مانند یک رؤیا به نظر می‌رسد.»

۸- اکنون سال‌هاست که نظم جهانی دچار تغییرات اساسی شده است اما این واقعیت بدیهی در دولت قبل مورد غفلت جدی قرار گرفت.

در دولت قبل، سیاست خارجی به دیپلماسی برجای تقلیل پیدا کرد، تا جایی که عملاً سیاست خارجی در روابط با سه چهار کشور معدود غربی خلاصه شد، آن هم نه از موضع برابر بلکه از موضع انفعال و حقارت. به همین دلیل دیگر جنبه‌های سیاست خارجی و به‌ویژه سیاست خارجی منطقه‌ای و همسایگان و تعامل با شرق به شدت مغفول ماند.

روزنامه شرق- ۲۹ تیر ۱۴۰۰ در یادداشتی به قلم یکی از دیپلمات‌های سابق در نقد سیاست خارجی دولت قبل نوشته بود: «دولت روحانی... روابط دوجانبه با کشورها و به خصوص همسایگان را... تعطیل کرد و به تعبیر مخالفانش سیاست خارجی کشور را به زلف برجام گره زد... دولت روحانی در سیاست خارجی... از دو ابراولویت «اقتصادی» و «همسایگان» سخن گفت که در عرصه عمل به اندازه سر سوزنی اجرائی نشد.»

۹- موارد مذکور همگی یک کلاس درس بزرگ برای مدعیان اصلاحات و اعتدال و جریان غربگرا است. همان جماعتی که با ادعای تسلط بر زبان دنیا، تحریم‌ها را ۲ برابر کرد و در صنعت هسته‌ای بتن ریخت و با شرطی‌سازی اقتصاد، خسارت‌های هنگفتی به کشور و مردم تحمیل کرد.